

شهرداری‌ها" نکرده‌اند.

از سوی دیگر، تقریباً تمام پایتخت‌های سیاسی یا اقتصادی کشورهای جهان مرکز توزیع و محل رفت‌وآمد تجار و شرکت‌های بین‌المللی هستند که متأسفانه تهران در این باره نیز جاذبه خاصی نداشته و این به پایداری درآمدهای مهمترین کلان‌شهر کشور لطمه می‌زند و حتی درآمد شهروندانش را نیز به ناپایداری می‌کشاند. کار در تهران زیاد داریم! از جایی باید شروع کرد. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با "مدیریت درآمدی اقتصاد تهران" در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

هدفمندی یارانه‌ها و صنعت ایران

پادزهر یا زهر؟!



تحلیل مهندس عبدالمهدی اجلالی، چهره ماندگار صنعت ایران، از اثرات هدفمند شدن یارانه‌ها بر صنایع و واحدهای تولیدی کشور

بی‌پاسخ مانده، این است که دولت به کدام یک از تعهدات خود در قبال صنعت، نظیر ایجاد زیرساخت‌های لازم در شهرک‌های صنعتی، جوایز صادراتی، حمایت از تولید داخلی در قبال واردات بی‌رویه کالای بدون کیفیت، حمایت مصرف‌کننده در قبال آسیب‌های ناشی از کالای تولیدی شرکت‌های دولتی و شبه دولتی، ایجاد زمینه رقابت سالم برای تولید کالای با کیفیت و حمایت از حقوق مالکیت معنوی، به موقع و صحیح عمل کرده است؟ نکته قابل ذکر این است که اساساً باید مکانیزمی طراحی شود که یارانه به تولید تعلق بگیرد نه به مصرف! لذا تا این هرم وارونه است، وضع اصلاح نخواهد شد.

دردهای یارانه نقدی

اولین تبعات توزیع نقدی یارانه‌ها، افزایش توقع عمومی از دولت است و در درازمدت، دولت نمی‌تواند به سادگی از زیر بار آن شانه خالی کند. اقتصاد کشور، بیمار و ناتوان است؛ بیمار است برای این که با عارضه‌هایی نظیر نرخ تورم بالا، بیکاری، نظام پولی و بانکی ناکارآمد و بهره‌وری پایین، دست به گریبان است و ناتوان است چون تولید داخلی در مقابل واردات بی‌رویه کالا، خلع سلاح شده است. به همین دلیل صنایع کشور مجبورند با ظرفیت بسیار پایین‌تر از ظرفیت اسمی و توان واقعی خود کار کنند. در صورتی که این بیماری عارضه‌یابی و مداوا شود، شرکت‌ها نه تنها برای پاسخگویی نیازها مجبور به توسعه صنایع و محصولات خواهند شد، بلکه اشتغال و بهره‌وری نیز بالا خواهد رفت. ولی اجرای این لایحه، علاوه بر تبعات تورمی و افزایش کاذب قیمت‌ها، سبب کاهش بهره‌وری و از بین رفتن ارزش کار و کارآفرینی در کشور خواهد شد که خسارت آن به اقتصاد کشور جبران‌ناپذیر است.

خاری در پای صنعت

متأسفانه صنعت تاکنون شاهد سیاست‌های حمایتی ثابت و قابل اتکایی نبوده است. همان‌گونه که برای تولید یک کالای صنعتی از ابتدای سرمایه‌گذاری تا رسیدن به تولید انبوه و سودآوری چندین سال وقت لازم است، سیاست‌های حمایتی - نه سیاست‌های ایجاد رانت

کشور، به نحوی مؤثر و کارآمد عمل می‌نمودند، الان کلان‌شهرهای کشور و به خصوص تهران با این هجمه مشکلات مالی روبه‌رو نبودند. بر این اساس تسهیل و رفع موانع موجود در نظام بانکی کشور برای پرداخت تسهیلات مورد نیاز شهرداری‌ها یک الزام محسوب می‌شود. به علاوه و در حال حاضر، شهرداری‌های کلان‌شهرهای دنیا، علاوه بر صور گوناگون درآمدی خود، با انتشار "اوراق شهرداری" به تأمین مالی پروژه‌های شهری می‌پردازند که شهرداری تهران نیز می‌تواند از آن تبعیت نماید. مهم‌تر آن که بر اساس قانون بازار اوراق بهادار (مصوب ۱۳۸۴) شورای بورس و اوراق بهادار اختیار دارد و موظف است اوراق جدیدی را ابداع و تأیید کند، ولی تا به حال این شورا و سازمان مربوطه هیچ توجهی به "اوراق بهادار

با نگاهی به اهداف و ضرورت‌های کشور در سال‌های اخیر باید گفت برنامه‌ریزی‌های راهبردی کشور در اغلب اوقات، متناسب با بستری اقتصادی و سیاسی موجود، واقع‌بینانه طراحی نشده‌اند. به همین دلیل، بسیاری از مشکلات و معضلات علیرغم برنامه‌ریزی‌ها و کارشناسی‌های صورت گرفته، همچنان پابرجا هستند. به عنوان نمونه، قانون مالیات بر ارزش افزوده که اکنون به یک شیر بی‌یال و دم و اشکم بدل شده است و فشار مضاعفی را فقط بر واحدهای تولیدی اعمال می‌کند و با هدف اصلی قانون که همان شناسایی مؤدیان جدید و کاهش بار مالیاتی بر تولید بود بسیار متفاوت است.

اجرای هدفمندی یا کل طرح تحول؟

بر این اساس، انجام طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به خودی خود، نه تنها به سود تولید نخواهد بود بلکه کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار خواهد داد. به عنوان نمونه، کاهش بهره‌وری نیروی کار یکی از نتایج این طرح در صنعت است که کمتر به آن توجه می‌شود و در نتیجه آزدسازی قیمت‌ها، قیمت تمام شده کالاها و خدمات مصرفی هم بالاتر رفته و پرداخت نقدی نمی‌تواند جبران کم‌کاری نیروی انسانی را بنماید. بدین ترتیب از دیدگاه بخش صنعت به عنوان محور توسعه اقتصادی کشور، این طرح تنها در صورتی که با یک رویکرد همه‌جانبه انجام شود، برای بهبود اقتصاد کشور مثبت خواهد بود. در غیر این صورت، در یک چرخه معیوب، همچنان شاهد توسعه بی‌رویه واردات و استضعاف بخش مولد کشور خواهیم بود. علاوه بر این باید به این نکته توجه کرد که هدفمندی یارانه‌ها بخشی از طرح تحول اقتصادی است که دولت در سال گذشته ارایه کرد و نمی‌توان بخشی از این طرح بزرگ را جدا مورد بررسی قرار داد. مثلاً نباید اصلاح نظام مالیاتی کشور را که شامل شفاف‌سازی مالیاتی و نظام مالیاتی فراگیر بود، فراموش کرد. به جای پرسشنامه‌هایی که به انعان خود مسؤولان امر تا حدود زیادی قرین صحت نبوده است، می‌شد بر اساس طرح نظام فراگیر، کلیه مؤدیان را - من جمله افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند - شناسایی کرده و به کمک یک سامانه اطلاعاتی به روز و کارآمد، به خوبی صحت و سقم اطلاعات افراد را در کوتاه‌مدت مشخص کرد. در واقع با اصلاح ساختار نظام بانکی و پولی، گمرک، نظام توزیع کالا و خدمات و بقیه بسترهای اقتصادی لازم کشور و هدایت آنها به سوی تولید و کارآفرینی، آحاد ملت با مشارکت خود نقش اصلی را در اجرای این طرح به عهده می‌گرفتند. بدون توجه به لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، سؤالی که سال‌ها است برای صنعتگران

دنیا به کام واردکننده

متأسفانه قوانین و سیاست‌های کشور ما بیشتر بر پایه واردات استوار هستند و کمتر از صادرات حمایت می‌کنند. صادرات ما عمدتاً مواد اولیه، مواد خام، مواد معدنی و یا فرآورده‌هایی با ریشه نفت می‌باشند. از سوی دیگر، هزینه‌های تولید به شدت افزایش یافته است، در حالی که دیگر رقبای جهانی با سیاست‌های حمایتی، کالاهای ارزان‌تری را در بازار هدف ارایه می‌کنند. بدین ترتیب، حتی در کشاورزی و صنایع دستی هم دچار پسرقت شده‌ایم.

در حال حاضر، بهترین فرصت برای صادرات به عراق و افغانستان مهیا است و در صورت دارا بودن یک سیستم مناسب و صحیح، با حمایت دولت، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه‌ای می‌توانیم از امکانات بالقوه این بازارها نهایت استفاده را ببریم.

به نظر می‌رسد پس از این، صنعت بایستی در دو جبهه داخلی و خارجی مبارزه کند. از یک سو نگاه کارگزاران دولت به صنعت همچون یک منبع درآمد سرشار است که به اذعان آمار دولتی بیش از ۶۰ درصد مالیات کشور را تأمین می‌کند و از سوی دیگر، صنعت در مقابل واردات بی‌رویه بی‌دفاع است. لذا توسعه و تقویت تشکل‌های صنعتی و حضور مستمر در مجامع تصمیم‌ساز جهت بهینه‌سازی قوانین و مقررات و تسهیل در روند کارآفرینی و تولید که مستلزم از خودگذشتگی مدیران واحدهای تولیدی است، از مسایل مهمی می‌باشند که نباید از آنها غافل شد. در این برهه، گویی نقش حساس صنعتگران که زیرساخت‌های توسعه‌ای کشور - که آیندگان از آن منتفع می‌شوند - در دست آنان است، مضاعف می‌باشد. علیرغم فشارهای دولت به زودی همه ارکان نظام اعم از دولت و ملت درخواهند یافت که راه توسعه فقط از مسیر تولید می‌گذرد و بس.

موضوع دیگر اهمیت افزایش بهره‌وری و تولید در کلاس جهانی است که علیرغم همه مشکلات موجود، باید بتوانیم در بازار رقابتی جهانی حرفی برای گفتن داشته باشیم. صنعت برای نجات خود راهی جز تولید انبوه، باکیفیت و عرضه به هنگام و همچنین با قیمت رقابتی ندارد. بایستی با عزم و اراده استوار، راهی را که آغاز کرده‌ایم به پایان ببریم تا شاهد ایرانی سربلند و در جایگاهی والا در عرصه منطقه و جهانی باشیم. ■

نظیر وام‌های زودبازده! - نیز بایستی به طور مستمر طی سال‌ها پیگیری شوند تا این نهال به بار بنشیند. تغییر مداوم سیاست‌ها در قبال صنعت، همواره بزرگترین خسارت را به ارکان مولد کشور زده است.

از سوی دیگر می‌دانیم که تنها راه بقای تولید، کاهش هزینه‌های تمام شده محصولات و افزایش کیفیت است که به روش‌های مختلفی نظیر نوسازی صنایع و بالا بردن فناوری، اصلاح فناوری با انرژی مصرفی کمتر و کاهش هزینه‌های تحمیلی بر تولید می‌تواند حاصل شود. اما فشارهای مضاعف مالیات بر ارزش افزوده که بر تولید تحمیل گردیده، چگونه اجازه چنین توسعه‌ای را می‌دهند؟ آیا سیستم مالیاتی اجازه می‌دهد که نوسازی صنایع از محل سود صنایع پرداخت شود؟ پس هزینه نوسازی صنایع را چه کسی باید پرداخت کند؟ یا این که برای تأمین منابع، باز هم باید به درهای بسته بانک‌ها رجوع کرد؟

اشتغال و بی‌یاری

با هدفمند کردن یارانه‌ها، هزینه‌های پرسنلی بسیار رشد خواهند کرد. در این زمینه باید مابه‌التفاوت افزایش نرخ دستمزد توسط روش‌های غیرتورمی، نظیر کاهش نرخ بیمه، اصلاح قانون کار، معافیت‌های مالیاتی برای ایجاد اشتغال و توسعه سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی به صنعت بازگردانده شود.

دولت باید با اتخاذ راهکارهای زیر، هزینه اجرای لایحه هدفمندی یارانه‌ها را به حداقل ممکن برساند:

- حمایت از تولید ملی و اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه جهت جلوگیری از واردات
- خصوصی سازی به معنای واقعی به جای اختصاصی سازی
- کمک به نوسازی صنایع
- اختصاص بخشی از مبالغی که از سوی دولت در یک بازه زمانی (مثلاً ۱۰ ساله) دریافت می‌گردد، به نوسازی و بهینه‌سازی صنایع.
- استفاده از فناوری برتر در صنایع و افزایش بهره‌وری
- تأمین منابع مالی مورد نیاز صنعت
- کاهش هزینه‌های سربار، نظیر مالیات بر ارزش افزوده.

استراتژی چین و برنامه هسته‌ای ایران

چین: کلیددار هسته‌ای؟

اندیشکده Chatham House این سؤال را مطرح کرده است که آیا چین می‌تواند کلیدی برای رابطه با ایران بر سر مسأله هسته‌ای باشد؟



مشخص است و برخلاف کره شمالی که تاکنون از مرز ساخت سلاح هسته‌ای عبور کرده، بازگرداندن ایران از این راه کار آسان‌تری است.

کلید راه ایستادن در مقابل خواست ایران در دست چین است. چین تنها کشور عضو شورای امنیت به حساب می‌آید که رابطه‌ای دوستانه با ایران دارد و مورد اعتماد این کشور است. تهران و پکن دیدگاه استراتژیک مشترکی از جهان دارند و آن این است که سلطه آمریکا باید به پایان برسد و همه کشورها شانس کافی برای موفقیت داشته باشند.

وابستگی رو به رشد چین به نفت ایران - که در حال حاضر بیش از ۱۲ درصد واردات چین را به خود اختصاص می‌دهد - برای برطرف کردن نیازهای بی‌پایان انرژی این کشور و بازار پر عطش ایران برای محصولات چینی، روابط استراتژیک دو کشور را به هم پیوند

پکن که یکی از شرکای اصلی تجاری تهران است و بر سر تقسیم قدرت بین‌المللی دیدگاه‌های مشترکی با آن دارد، باید به گونه‌ای وادار شود تا از نفوذش بر ایران استفاده کند. رییس‌جمهور آمریکا طی سخنرانی آغازین خود پس از ریاست‌جمهوری در ماه ژانویه، وقتی از اهمیت انتخاب راه "امید فراتر از هراس" در مواجهه با چالش‌های امروز سخن می‌گفت، تلاش کرد به اندازه کافی تأثیرگذار باشد. این گفته او یاما تلاش برای "کاهش تهدید هسته‌ای" را نیز در بر می‌گیرد. آمریکا بارها تأکید کرده که قصد دارد پیشنهاد این تلاش باشد. وانگتن و مسکو به توافق رسیده‌اند که زرادخانه‌های هسته‌ای خود را تا نزدیک به یک سوم کاهش دهند و آمریکا تصمیم گرفته دفاع موشک‌های بالستیک خود را تا حد ممکن کم کند.

جلوگیری از تلاش‌های هسته‌ای ایران و هر موفقیتی که درباره این موضوع در رابطه با کره شمالی حاصل شود، می‌تواند سنگ محک مهمی باشد. راه‌حل مشکل ایران کاملاً